

چهارشنبه ۲۶ / ۸ / ۱۴۰۰ جلسه ۳۲

موضوع: فقه شعائر / بررسی اصطلاح "شعائر" در آیات / بررسی وجوب تعظیم و حرمت هتک نسبت به شعائر

بحث در مورد آیه **﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾**^۱ است. از بعضی علماء تسنن نقل شده که دایره شعائر اعم است. یکی از علماء سنی یک عالم هندی است به نام صاحب جان که حنفی است و تصریح می کند که هر چه که از دیدنش به یاد خدای متعال بیفتیم، شعائر الهی است.

یکی دیگر از آنها، دهلوی عالم بزرگ سنی (در قرن ۱۲) در کتاب *الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس* می گوید از بزرگترین شعائر و نشانه های (شعائر را به معنای نشانه ها گرفته است) خدای متعال عبارت است از قرآن، کعبه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نماز. هیچ کدام از این ۴ مورد در لسان قرآن به عنوان شعار تلقی نشده است، بلکه صفا و مروه و بدن جزء شعائر الهی محسوب می شوند و غیر از این ۳ مورد چیز دیگری به عنوان مصداق معین برای شعائر سراغ نداریم.

ایشان در کتاب *حجت الله البالغه* می گوید بزرگترین شعائر این ۴ مورد است و در کتاب *الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس* می گوید محبت به شعائر الله یعنی محبت به قرآن، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، کعبه و هر چه که به خدای متعال منتسب باشد یعنی اولیاء خدای متعال. چون آنها انتساب به خدای متعال پیدا کرده اند.

انتساب یعنی مثلاً وقتی یک عالم را دوست داریم، کتابش را هم دوست داریم و می خواهیم آن را داشته باشیم. ما نمی خواهیم بگوییم سخن این علما حجت است، ولی نوع برداشت به گونه ای است که عرف تعمیم را می فهمد و در بحث شعائر الله الغاء خصوصیت می کند.

مفهوم اولویت (موافق) یعنی مثلاً یک عالم کتابی دارد که ارزشمند و مورد احترام است، اگر این عالم یک قرآن داشته باشد که دانش هم احترام می خواهد، آیا مورد احترام نیست؟ در ما نحن فیه اگر صفا و مروه که از شعائر الهی هستند و باید تعظیم شوند، آیا زمین کربلا اینگونه نیست؟ در حالیکه در روایات فضیلتش از صفا و مروه هم بیشتر است.

شاید کسی بگوید گاهی مصادیقی را برای یک حکم شرعی معین می کنند که اشکالی هم ندارد. مثلاً صحرای عرفات محدوده ای است برای یک حکم شرعی که وقوف در آنجا جزء ارکان مهم حج است و ما انکار نمی کنیم و نمی گوییم کسی در روز عرفه به جای رفتن به صحرای عرفات به مسجد الحرام برود. انصافاً اگر بُدن تعظیم می خواهد، آیا اینها تعظیم نمی خواهند؟ اگر قرار است صفا و مروه از شعائر الهی باشند، که ما را به یاد خدای متعال می اندازند و تعظیم آنها واجب است، انصافاً آیا به مفهوم اولویت نمی فهمیم که تعظیم کربلا هم واجب است؟ طبعاً بله. لذا به نظر می رسد در تعظیم، تردیدی نیست.

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

نکته بعدی این است که تعظیم شعائر وظیفه چه کسی است؟ هم وظیفه آحاد مردم است و هم وظیفه حکومت اسلامی. نه حکومت اسلامی می‌تواند این وظیفه را از دوش خود به دوش مردم بیندازد و نه آحاد مردم، چون واجب کفائی است. البته هر کسی به مقدار وسعش، چون وسع نظام حاکمیت و نظام تک‌تک مردم حدی دارد. از آیه و من یعظم شعائر الله استفاده وجوب کردیم و حداقل استفاده رجحان است.

نکته بعدی این است که همانطور که تعظیم شعائر واجب است، تخریب شعائری هم که یقیناً مخالف شعائر دین هست، واجب است. مثل بت‌پرستی، تظاهر به روزه‌خواری و امثالهم. اگر بدن از شعائر الهی است، آیا نماز عید فطر و اقامه آن از شعائر الهی نیست؟

نکته بعدی این است که شأن نزول آیه ۲ از سوره مائده ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرَضُوا إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۲ در مورد مردی است به نام حطم بن هند البکری. این شخص خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید و از حضرت پرسید دعوتتان به چیست؟ حضرت فرمودند ادعوا إلى شهادت الله و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة، مرد گفت کمی به من فرصت دهید و امید است که من الان اسلام بیاورم و با کسی هم مشورت کنم، حضرت فرمودند یک نفر به جای شما می‌آید که با زبان شیطان حرف می‌زند و در تصمیمش خدعه است، یعنی اگر آن شخص می‌خواست ایمان بیاورد، حضرت اینگونه نمی‌فرمودند، یعنی این مرد دروغ گفت. در این آیه لاتحلوا از ماده احلال به معنی عدم عمل به مقتضاست یعنی رهاسازی و بی‌اعتنایی. مثلاً می‌گویند فلان چیز حلال است و تو در انجام عمل راحت باش، یعنی مرتکب شوی یا نشوی فرقی نمی‌کند. پس لاتحلوا یعنی رعایت نکردن و عدم توجه و عدم عمل به مقتضا و شامل موارد زیر است:

۱- شعائر الهی

۲- شهر حرام

۳- هدی

۴- قلائد

۵- آمین البیت الحرام

هدی قربانی حج است و أضحیه قربانی غیر حج است و قلائد قربانی است که گردن او طوق‌دار است (برای معلوم شدن صاحب قربانی که کسی متعرض آن نشود). طبعاً وقتی می‌گویند قلائد یعنی قربانی خاص (قربانی که طوق دارد) یعنی ذکر خاص بعد از عام.

شعائر خدای متعال را باید محترم بدانیم و در غیر این صورت مرتکب حرام شده‌ایم. پس تعظیم شعائر واجب است و عدم تعظیم شعائر حرام است. پس معلوم می‌شود تعظیم شعائر امر بسیار مهمی است.

۲. سوره مائده، آیه ۲.